

# امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی(ع)

چکیده:

«امر به معروف» و «نهی از منکر» دو فریضه بزرگ و دو فرع از فروع ده‌گانه دین مبین اسلام محسوب می‌شوند. گذشته از عنایت خاص قرآن کریم به این موضوع و نیز سیره‌ی نظری و عملی پیامبر اکرم(ص) و دیگر اولیای دین، در نگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام امر به معروف و نهی از منکر جایگاه ممتاز و ویژه‌ای دارد. آن حضرت امر به معروف و نهی از منکر را عنایت دین، قوام شریعت و با فضیلت‌ترین اعمال بندگان خدا توصیف می‌نماید که حتی از جهاد در راه خداوند نیز بالاتر است. از دیدگاه آن حضرت این دو فریضه برکات فراوانی در جامعه اسلامی به دنبال دارد و در مقابل ترک آنها مستوجب نزول بلا و خطرات زیادی است. مراتب سه‌گانه امر و نهی(قلبی، لسانی، یدی) خصوصیات آمر و ناهی، رابطه امر به معروف و نهی از منکر با جهاد و اقامه حدود و نیز لزوم نصیحت کردن و نصیحت پذیرفتن، همچنین فضیلت امر و نهی عوام نسبت به خواص، و رعایا نسبت به حکام، از دیگر فرازهای بیانات علوی در تبیین جایگاه و ارزش امر به معروف و نهی از منکر است.

کلید واژه‌ها: امام علی(ع)، امر به معروف و نهی از منکر

پیشگفتار

امام علی علیه‌السلام: «و ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفته فی بحر لچی»: تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقابل امر به معروف و نهی از منکر به اندازه‌ی آب دهانی در مقابل دریایی پهناور بیش نیست! دو فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر که هر دو جزء فروع ده‌گانه دین مبین اسلام می‌باشند، آنچنان جایگاه والایی در شرع مقدس اسلام دارند که در حدود ۳۰ آیه از آیات قرآن کریم با الفاظ و عبارات مختلف در خصوص آنها نازل گردیده است. علاوه بر آن، در سخنان معصومین علیهم‌السلام، در خصوص آنها نکات فراوانی بیان گردیده که در منابع و متون معتبر حدیث ما ثبت و ضبط شده است. فقها و محدثین نیز در کتاب‌های خود هر یک بابتی را تحت این عنوان باز کرده و درباره‌ی آن مطالب ارزنده‌ای را نگاشته‌اند. در اهمیت و منزلت این دو فریضه همین بس که جزء فروع دین شمرده شده‌اند.

با این حال، با کمال تأسف باید اذعان نمود که آن‌طور که شایسته است در قرون و اعصار مختلف تاریخ اسلام، این دو فریضه، اولاً زوایا و ظرایف و نیز مسائل مختلف آن‌ها به عنوان دو واجب شرعی به خوبی بیان نگردیده است و ثانیاً به خوبی اجرا نشده؛ تا جایی که امروزه و بالاخص پس از پیروزی انقلاب پربرکت جمهوری اسلامی ایران، از آن‌ها به عنوان دو فریضه‌ی «فراموش شده» یاد می‌شود و برای به جریان افتادن نشان «ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر» تأسیس گردیده است. امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه و منظر امام علی علیه‌السلام، جلوه‌ای دیگر و جایگاهی ویژه دارد. در میان کلمات، نامه‌ها و سخنان به جای مانده از آن حضرت، اشارات و توجهات خاصی به این موضوع وجود دارد. بر همین اساس، و با عنایت به این نکته که سال جاری به نام سال سیره‌ی علوی نامیده شده است، بر آن شدیم تا مجموعه‌ای از نظریات و دیدگاه‌های آن حضرت را در خصوص این دو فریضه بزرگ گرد آورده و پس از دسته‌بندی به شرح و بیان آنها در حد وسع و توان خود بپردازیم. این نوشتار پس از مقدمه تحت عنوان‌های ذیل دسته‌بندی و تدوین شده است:

**1) اهمیت امر به معروف و نهی از منکر؛**

**2) وجوب امر به معروف و نهی از منکر؛**

**3) شرایط و خصوصیات آمر و ناهی؛**

**4) مراتب امر به معروف و نهی از منکر؛**

**5) ترک امر به معروف و نهی از منکر؛**

**6) امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود؛**

**7) امر به معروف و نهی از منکر و جهاد؛**

**8) امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت؛**

بعضی از عنوان‌های کلی فوق دارای موضوعات جزئی نیز می‌باشند که حسب مورد به آنها پرداخته خواهد شد. در پایان مباحث نیز ان‌شاءالله خلاصه و نتیجه بحث به اختصار مرور خواهد گردید. امید آن که این قدم کوتاه مورد قبول درگاه خداوند متعال و عنایت ویژه مولای متقیان در سالی که به نام زیبای آن انسان بزرگ مزین گردیده است، واقع شود و ره توشه‌ای برای نگارنده‌ی این نوشتار باشد.

گفتار اول - اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

الف - فضیلت امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از منظر علی علیه‌السلام، با فضیلت‌ترین اعمال بندگان خداوند، غایت دین، قوام شریعت، خلق الهی و بالاتر از جهاد در راه خدا معرفی شده است. سخنان بسیار نغز و گهرباری از آن حضرت در این خصوص به ثبت رسیده است که در ادامه و نیز در بخش‌های دیگر این مقاله به تناسب بیان خواهد شد. در اینجا چند روایت که به تنهایی بیانگر ارزش و برتری این دو فریضه نسبت به سایر واجبات است، ارائه می‌گردد.

«(1) الامر بالمعروف افضل اعمال الخلق: [1] امر به معروف با فضیلت‌ترین اعمال خلق خداست». این گفتار که اطلاق نیز دارد، امر به معروف را نسبت به همه اعمال و کردار بندگان خدا، برتر و با فضیلت‌تر معرفی نموده است و به تنهایی ارزش والای این فریضه را اثبات می‌نماید. در جای دیگر، حضرت امر به معروف و نهی از منکر را غایت و هدف نهایی دین دانسته است:

«(2) غایه‌الدین الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و اقامه الحدود: [2] غایت دین، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود است». در اینجا سه عنصر «امر به معروف»، «نهی از منکر» و «اقامه‌ی حدود» که همگی در یک راستا و هدف می‌باشند، غایت و منتهای هر دینی از جمله دین مبین اسلام دانسته شده است. این حدیث نیز به خوبی نشانگر اهمیت و ارزش امر به معروف و نهی از منکر است. قریب به همین معنا را امیرمؤمنان با تعبیری دیگر چنین بیان داشته‌اند:

«(3) قوام الشریعه الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و اقامه الحدود: [3] برپایی شریعت به وسیله امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود ممکن است». سه عنصر ذکر شده، از طرفی «غایت دین» و از یک طرف «قوام شریعت» محسوب می‌شوند. در خصوص ارتباط این سه فریضه با همدیگر در گفتار مولای متقیان، موارد دیگری بیان شده است که در بخشی جداگانه (امر به معروف و نهی از منکر و اقامه‌ی حدود) درباره آن بیشتر توضیح داده خواهد شد. علی علیه‌السلام، در کلامی دیگر امر به معروف و نهی از منکر را دو «خلق» و صفت خداوند می‌داند.

«(4) ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر لخفقان من خلق الله سبحانه: [4] همانا امر به معروف و نهی از منکر دو خلق از اخلاق خداوند سبحان می‌باشند». در این حدیث خداوند متعال نیز «امر به معروف» و «ناهی از منکر» دانسته می‌شود که خود نشانگر کمال فضیلت و ارزش برای این دو فریضه می‌باشد. همین فضیلت برای آمران به معروف و ناهیان از منکر کافی است تا مقتدای خود را در این راه مقدس، خداوند تبارک و تعالی بدانند و متوجه باشند که در چه مسیر مقدس و مهمی قدم برمی‌دارند.

«(5) و ما اعمال البر كلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفته فی بحر لجمی: [5] تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقابل امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست مگر به اندازه رطوبتی که از بخار دهان خارج می‌شود در برابر دریایی موج و پهناور «ثفته» مقدار آب کمی است که از دهان خارج می‌شود و از «تف» کمتر است. همچنین به معنی لعاب دهان و نیز رطوبت کمی که در بخار دهان وجود دارد آمده است. [6] «لجم» آب زیاد و موج دریا است و «بحر لجمی» به معنی دریایی پر موج و پهناور است. [7] بنابراین، از دید آن حضرت ارزش و فضیلت امر به معروف و نهی از منکر نه تنها از هر عمل و فریضه دینی دیگر بالاتر و برتر می‌باشد، بلکه بر اساس سخنان ایشان چنانچه همه اعمال دیگر را در یک کفه ترازو قرار دهند و امر به معروف و نهی از منکر را در کفه‌ی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر سنگین‌تر خواهد بود. بالاتر از آن اینکه، در این مقایسه و موازنه، ارزش و مقدار همه اعمال نیک در مقابل یکی از آنها که امر به معروف و نهی از منکر است، بطور خارق‌العاده‌ای سبک‌تر و پایین‌تر است؛ چراکه نسبت میان آن‌ها، مانند نسبت قطره‌ی آب است در مقابل دریا.

ب - آثار، برکات و پاداش امر به معروف و نهی از منکر:

علاوه بر فضایل ذکر شده در مبحث قبل، مولای متقیان برای امر به معروف و نهی از منکر آثار و پیامدهای مبارکی را ذکر می‌نماید که اینها هم همانند احادیث قبلی ضمن این که بیانگر اهمیت فراوان این دو فریضه مقدس می‌باشند، از زاویه‌ای دیگر به این دو فریضه می‌پردازند.

**1** و امر بالمعروف تکن من أهله: [۸] امر به معروف کن تا از اهل معروف باشی». برابر این روایت، که حضرت آن را خطاب به فرزند گرامی اش امام حسن مجتبی علیه السلام نوشته‌اند، از جمله آثار مثبت امر به معروف آن است که شخص «امر»، در زمره‌ی افراد نیکوکار جامعه قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، اولین فایده‌ی امر به معروف، به خود امرکننده می‌رسد؛ چراکه طبعاً انسان خردمندی که به اصلاح دیگران همت می‌گمارد و آنان را به کارهای نیک فرا می‌خواند، در وهله‌ی اول خودش از آن متأثر می‌شود و آن را به کار می‌بندد. در نتیجه امر به معروف، خودش را هم تعلیم و آموزش می‌دهد و از خطاها و اشتباهات احتمالی خودش نیز جلوگیری می‌نماید. البته اگر چنین نباشد و از پند و اندرزهایی که به دیگران می‌دهد، خودش استفاده ننماید و به آنها بی‌توجه باشد، سخت مورد سرزنش امیرالمؤمنین است. شرح این نکته را در مباحث آینده بالاخص در مبحث عامل بودن و ناهی باز خواهیم گفت.

«**2** من امر بالمعروف شد ظهور امیرالمؤمنین. [۹] کسی که امر به معروف نماید، به مؤمنان پشت‌گرمی دهد». یکی از آثار مترتب بر امر به معروف، محکم نمودن دل مؤمنان و ایجاد پشتوانه برای آنان است تا کسی جرأت تعرض به حدود خداوند و زیر پا گذاشتن فرمان‌های الهی را به خود ندهد و نتواند در بین مؤمنان فساد و تباهی ایجاد نماید.

«**3** من نهی عن المنکر ارغم انوف الفاسقین (او الکافرین و المنافقین): [۱۰] کسی که نهی از منکر کند بینی فاسقان (یا کافران و یا منافقان) را به خاک مالیده است». در عبارت اصول کافی که اندکی با نهج‌البلاغه و غررالحکم تفاوت دارد، آمده است:

«**4** و من نهی عن المنکر ارغم أنف المنافق و أمن کیده: [۱۱] کسی که نهی از منکر کند، بینی منافق را به خاک می‌مالد و از کید و نیرنگش در امان است». این دو عبارت نیز یکی دیگر از برکات فریضه امر به معروف و نهی از منکر بالاخص دومی را نشان می‌دهند و بر اساس آن، دشمنان (اعم از منافق، کافر و یا فاسق) ناکام مانده و انسان ناهی از منکر، از مکر و حيله‌ی منافقان در امان خواهد بود.

**5** ممن کن فیه ثلاث سلمت له الدنيا و الاخره: یامر بالمعروف و یاأمر به و نهی عن المنکر و ینتهی عنه و یحافظ علی حدودالله جل و علا: [۱۲] هر کس که سه خصلت در او باشد، از شر دنیا و آخرت در امان است: امر به معروف کند و خودش نیز بدان عامل باشد، نهی از منکر کند و خودش نیز تارک آن باشد و حدود خداوند جل و علا را محافظت نماید». قسمتی از مفاهیم این حدیث شریف که به اقامه و حفظ حدود و نیز عامل بودن آمر و ناهی برمی‌گردد در هنگام بحث از عنوان‌های یاد شده مجدداً مورد بحث قرار خواهد گرفت. آنچه در اینجا مدنظر ماست، یک بخش از این روایت است که همانا امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد و براساس این حدیث، از جمله آثار و پاداشی که به آمر و ناهی می‌رسد، سلامت دنیا و آخرت است.

«**6** إن الامر بالمعروف و النهی عن المنکر ... یضاعفان الثواب و یعظمان الاجرو. [۱۳] همانا امر به معروف و نهی از منکر ثواب را مضاعف و اجر و پاداش را فراوان می‌کنند». این گفتار نیز مبین اجر و ثوابی است که به آمر و ناهی داده خواهد شد و پاسخ رد به کسانی است که می‌پندارند امر به معروف و نهی از منکر موجب خطر جانی و یا ضرر مالی می‌شود. متن کامل این روایت که دربر گیرنده‌ی نکات مهم دیگری نیز هست، به همراه روایت‌های مشابه دیگر در مبحث «علت ترک امر به معروف و نهی از منکر» و نیز مبحث «امر و نهی نمودن حکام و خواص» خواهد آمد. از جمله آثار و فواید دیگری که در کلام امیر مؤمنان برای امر به معروف و نهی از منکر آورده شده است این است که: امر به معروف و نهی از منکر موجب قوام شریعت می‌گردد. متن این روایت را در حدیث شماره سه آوردیم. با بررسی اقوال مطرح شده، این آثار و نتایج به سبب اجرای امر به معروف و نهی از منکر حاصل می‌گردد.

**1** امر به معروف در زمره‌ی «اهل معروف» قرار می‌گیرد؛

**2** امر به معروف به مؤمنان پشت‌گرمی می‌دهد؛

**3** ناهی از منکر بینی منافقان، کفار و فاسقان را به خاک می‌مالد؛

**4** ناهی از منکر از کید و مکر منافقان در امان می‌ماند؛

**5** امر به معروف و عامل به آن، ناهی از منکر و تارک آن، حافظ و نگهدارنده. حدود الهی، هر سه از سلامت دنیا و آخرت برخوردار می‌گردند؛

**6** امر به معروف و نهی از منکر ثواب را مضاعف و اجر را فراوان می‌کند؛

**7)** امر به معروف و نهی از منکر موجب قوام شریعت می‌گردد. آثار دیگری نیز در لابه‌لای کلمات گهربار مولای مؤمنان برای این دو فریضه بیان گردیده است که در مباحث آتی به آنها نیز اشاراتی خواهد شد.

ج - امر به معروف و نهی از منکر معیار سنجش دیگر اعمال:

گاهی در بیانات حضرت علی علیه‌السلام، به عبارت‌هایی برمی‌خوریم که در آنها حضرت در مقام بیان اهمیت و ارزش امری است و برای اثبات ارزش آن امر، از معیار امر به معروف و نهی از منکر استفاده نموده‌اند.

«**1)** اعرفوا... و اولی الامر بالامر بالمعروف و العدل و الاحسان: [۱۴] اولی الامر را با امر به معروف و عدل و احسان بشناسید.» این روایت که در آن امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، برای شناخت اموری، معیارهایی ارائه فرموده است (خدا را با خدا، رسول را با رسالت و اولی الامر را با ...)، نشان می‌دهد که امر به معروف آنچنان اهمیت و قدر و منزلت دارد که برای شناخت اولی الامر باید به عنوان ملاک و معیار از آن استفاده نمود.

«**2)** العقل منزّه عن المنکر امر بالمعروف: [۱۵] عقل، بازدارنده از منکر و امر به معروف است.» عقل، این ودیعه الهی نزد انسان‌ها که ملاک و ابزار اصلی راه‌یابی و وصول انسان‌ها به هدایت و شناخت است، با معیار امر به معروف و نهی از منکر سنجیده می‌شود و چنانچه کسی این دو خصوصیت را نداشته باشد، باید حکم کرد که فاقد عقل است و یا این که عقلش معیوب است. چه ارزش و مقامی بالاتر از این که به امر به معروف و نهی از منکر معیار سنجش عقل سالم از عقل ناسالم می‌باشد. در جای دیگر امام، «دین» و «شمشیر» را که اولی برای هدایت و رأفت نسبت به آدمیان و دومی برای قهر و عذاب طاغیان نهاده شده‌اند، از آن جهت ارزشمند و معتبر می‌شمارد که اینان امر به معروف و نهی از منکرند.

«**3)** السیف فاتق والدین راتق؛ فالدین یأمر بالمعروف و السیف ینهی عن المنکر. قال الله تعالی: لکم فی القصاص حیاة: [۱۶] شمشیر بازکننده گره‌ها و دین، سامان‌دهنده امور است؛ پس دین، امر به معروف می‌کند و شمشیر، نهی از منکر می‌نماید. خداوند متعال فرموده است: قصاص حیات شماسست.» [۱۷] «رتق» و «فتق» در لغت ضد هم هستند. اولی به معنای بسته و ضمیمه هم بودن و دومی به معنای جدایی و باز بودن. راتق به معنی عاقد (گره زن) و فاتق به معنای حال (بازکننده گره) است. [۱۸] شمشیر با قهرش معضلات و گره‌ها را که با وسایل دیگر امکان باز نمودن آنها نیست، باز می‌کند و دین با مهرش نابسامانی‌ها و گره‌های باز شده‌ای را که به هم نمی‌پیوندند، به هم می‌رساند و اوضاع را سامان می‌دهد. امر به معروف و نهی از منکر هم به این شیوه، رتق و فتق امور جامعه اسلامی را به عهده می‌گیرند و در صورت تعطیلی این دو فریضه است که مشکلات حل نمی‌شود و نابسامانی‌ها سامان نمی‌گیرد.

د - مسابقه در زمینه‌ی امر به معروف و نهی از منکر:

در باب اهمیت دو فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر دو روایت دیگر را از آن حضرت به عنوان خاتمه‌ی این بحث می‌آوریم. البته همان‌طور که ذکر شد، در مباحث آتی نیز که آنها را به موضوعات مختلفی اختصاص داده‌ایم، اهمیت و ارزش امر به معروف و نهی از منکر به خوبی مستفاد می‌گردد.

«**1)** اذا رأیتم الخیر فسارعتم الیه و اذا رأیتم الشر فتباعدتم عنه و کنتم بالطاعات عاملیان و فی المکارم متنافسین، کنتم محسنین فائزین: [۱۹] هرگاه خیر را دیدید و به طرف آن شتاب نمودید، و هرگاه که شر را دیدید و از آن دوری جستید و در آن حامل عامل به طاعات بودید و در راه مکارم مسابقه دادید، در این هنگام است که شما نیکوکار و رستگارید.» عمل به خیر و دوری از شر از مراتب امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌گردند که در ادامه با تفصیل بیشتر درباره‌ی آن بحث خواهد شد. مسابقه در این راه از هم‌گویی سبقت را ربودن، موجب رستگاری می‌شود. انسان را در شمار نیکوکاران قرار می‌دهد.

«**2)** ان کنتم لا محاله متسابقین، فتسابقوا الی اقامه حدود الله و الامر بالمعروف: [۲۰] اگر ناچار به مسابقه هستید، در زمینه‌ی اقامه‌ی حدود الهی و امر به معروف با هم مسابقه بدهید.» امیرالمؤمنین در این دو گفتار از مؤمنان و مسلمانان می‌خواهد در خصوص اجرای حدود الهی و پرهیز از منکرات و نیز امر به معروف و شتاب به سوی انجام کارهای نیک، از همدیگر سبقت گرفته و با هم مسابقه بدهند. طبع انسان‌ها به گونه‌ای است که همواره در زمینه‌های مختلف با همدیگر در حال مسابقه هستند. لذا بهتر است موضوع مسابقه را از امور کم‌اهمیت و بی‌اهمیت تغییر داده و در موضوعات و زمینه‌های حائز اهمیت از جمله امر به معروف و نهی از منکر که مهم‌ترین عبادات محسوب می‌گردند، به رقابت بپردازند.

گفتار دوم - وجوب امر به معروف و نهی از منکر

هر چند روایت‌ها و احادیثی که تاکنون بیان گردید، هر یک به نوعی بیانگر وجوب امر معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی

علیه‌السلام، می‌باشد، اما در اینجا چند روایت دیگر را که با صراحت بیشتر نمایانگر این مسأله می‌باشند، می‌آوریم. البته در مباحث آتی هم موضوع وجوب این دو فریضه نهفته است.

«**1** فرض الله ... و الامر بالمعروف مصلحه للعوام و النهی عن المنکر ردعاً للفسهاء: [۲۱] خداوند امر به معروف را به خاطر مصلحت عوام و نهی از منکر را به خاطر کوبیدن سفیهان واجب نموده است». از این روایت علاوه بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر، حکمت تشریح آن دو نیز فهمیده می‌شود که عبارت از مصلحت عوام و راندن سفیهان جامعه است.

«**2** کن بالمعروف أمراً و عن المنکر ناهياً: [۲۲] امر به معروف و ناهی از منکر باش». امام علی علیه‌السلام، در کوتاه‌ترین عبارت، وجوب این دو فریضه را بیان داشته است.

«**3** اماوا بالمعروف و أنهوا عن المنکر: [۲۳] امر به معروف و نهی از منکر کنید» در این دو روایت با صیغه‌ی امر، واجب بودن این دو فریضه‌ی مقدس به مسلمانان یادآوری شده است. در جای دیگری حضرت سکوت و چشم‌پوشی در برابر گناهان دیگران را حلال نمی‌دانند.

«**4** یحل لعین مؤمنه تری الله یعضی فطرف حتی تغیره: [۲۴] حلال نیست برای چشم مؤمنی که ببیند نافرمانی خداوند می‌شود، چشم‌پوشی نماید، مگر اینکه نسبت به تغییر آن اقدام نماید».

گفتار سوم - شرط و خصوصیات امر و ناهی

علی علیه‌السلام، تعبیر زیادی در خصوص امر و ناهی و این‌که چه خصوصیتی باید داشته باشد و به چه نکاتی توجه نماید، دارند. مهم‌ترین خصوصیت امر به معروف و ناهی از منکر از نظر امیرالمؤمنین این است که باید خودش به آنچه که می‌گوید، عامل باشد. دیگر این‌که اهل مدارا، سازش و تابع مطالع نباشد. همچنین امر و ناهی باید در این راه از سرزنش ملامت‌گران نهراسند.

الف - عامل بودن امر و ناهی

عامل بودن شخص امر و ناهی که اغلب در لسان دین و بالاخص در کلمات امام علی علیه‌السلام، از آن به «ائتمار» و «تناهی» تعبیر می‌شود، نکته بسیار مهمی است که باید امر و ناهی آن را مراعات نماید. این موضوع که در قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم‌السلام، نیز بر آن صحنه گذاشته شده است، به اندازه‌ای اهمیت دارد که عده‌ای از علما آن را شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند. [۲۵] البته در مقابل، جمهور فقها و علما قائل به این شرط برای وجوب نیستند و همان چهار شرط مشهور (علم، عدم اصرار عاصی بر معصیت، احتمال تأثیر، عدم احتمال مفسده و ضرر مالی و جانی و عرضی) را شروط وجوب می‌دانند. [۲۶] مع‌الوصف عدم پایبندی امر و ناهی به آنچه خود می‌گوید و از دیگران انتظار دارد، به عنوان یک صفت بسیار نکوهیده قلمداد شده است:

«**1** آتّموا بالمعروف و أمروا به و تناهوا عن المنکر و انهوا عنه: [۲۷] به معروف عمل کنید و به آن امر و فرمان دهید. از منکر دست بکشید و دیگران را نیز از آن باز دارید». در اینجا حضرت ابتدا به «ائتمار» و عمل نمودن به معروف و کار نیک دستور می‌دهند سپس خواستار «امر به معروف» می‌گردند. همچنین اول «تناهی» و ترک منکر را لازم می‌دانند، آنگاه می‌خواهند که «نهی از منکر» صورت گیرد.

«**2** اینی لارفع نفسی أن انهی الناس عمالست انتهی عنه او آمرهم بما لا اسبقهم الیه بعملی اوارضی منهم لا یرضی ربی: [۲۸] من نفس خود را بالاتر از این می‌دانم که مردم را از چیزی نهی کنم که خودم دست از آن برنداشته باشم، یا آنان را به چیزی دستور دهم که خودم قبل از آنان بدان عمل نکرده باشم، یا به کاری از آنان راضی باشم که خداوند از آن رضایت نداشته باشد». امر و نهی بدون عمل، که در سیره‌ی شخص امر و ناهی مورد توجه نباشد و صرفاً دیگران را مدنظر قرار دهد و در آن، امر و ناهی از کردار خودش غافل باشد، آنچنان ناپسند و خلاف شأن یک انسان وارسته است که حضرت شأن خود را بالاتر از آن می‌داند که این‌گونه باشد.

«**3** ایها الناس إنی والله لا احثکم علی طاعه إلا و أسبقکم الیها، و لا أنها عن معیصه الا و أتناهی قلبکم عنها: [۲۹] ای مردم، به خدا قسم من هیچ‌گاه شما را به طاعتی تشویق و ترغیب نکرده‌ام مگر اینکه خودم قبل از شما از آن دست کشیده‌ام». زشتی و ناپسندی امر و نهی بدون عمل را حضرت دلالت بر گمراهی جهل می‌داند، آنچنان که در این دو روایت که در پی می‌آید، ملاحظه می‌نماییم.

«**4** گفی بلمرء غوايه أن یأمر الناس بما لا یأمر به وینها هم اعمالا ینهی عنه: [۳۰] برای گمراهی انسان همین کافی است که دیگران را به چیزی امر کند که خود، بدان عمل نمی‌کند و دیگران را از چیزی نهی کند که خود از آن دست نمی‌کشد».

«**5** کفی بالمرء جهلاً أن ینکر علی الناس ما یأتی مثله: [۳۱] در نادانی انسان همین بس است که مردم را از کاری باز دارد که خودش

همان را انجام می‌دهد». بیاناتی این چنین رسا و بلیغ، عدم التزام شخص را به اوامر و نواهی خود، ناشی از گمراهی و جهل انسان می‌داند. به راستی بدترین خصلتی که ممکن است آدمیب داشته باشد، همین است که خودش اهل معروف و تارک منکر نیست، ولی دیگران را این‌گونه می‌خواهد. آن حضرت تعابیر ارزنده دیگری نیز در این خصوص دارند.

«**6**کن بالمعروف آمرا و عن المنکر ناهياً و بالخیر عاملاً و للشر مانعاً: [۳۲] آمر به معروف و ناهی از منکر باش، همچنین عامل به خیر(معروف) و تارک(مانع) شر و منکر باش». امام پس از واجب نمودن امر به معروف و نهی از منکر، بلافاصله می‌خواهد که انسان نسبت به خیر یا معروف عامل، و نسبت به شر یا منکر، تارک و مانع باشد. در کلامی دیگر آن حضرت همین نکته را به بیانی دیگر تشریح می‌فرمایند.

**7**مکن عاملاً بالخیر ناهياً عن الشر منکرأ شیمه الغدر: [۳۳] عامل به خیر، ناهی شر و انکارکننده‌ی شیوه‌ی نیرنگ باش.»

«**8**کن آمراً بالمعروف و عاملاً به ولا تکن ممن یأمر به ولا یعمل به فتبوء یأثمه و تتعرض لمقت ربه: [۳۴] آمر و عامل به معروف باش و از کسانی نباش که به معروف امر می‌کنند، ولی به آن عمل نمی‌نمایند؛ چراکه در این صورت دچار گناه شده و سخط و خشم خداوند را نصیب خود گردانیده‌ای». در صورتی که آمر به معروف عامل به معروف نباشد، مرتکب گناه و معصیت گردیده و سخط و نارضایتی و خشم خداوند را برای خودش خریده است. در واقع امر به معروف به همراه عمل به آن ارزشمند است و چنانچه عمل، همراهش نباشد، مجازات و عقاب الهی را در پی خواهد داشت.

**9**مو الا للذکر لاهلاً ... و یأمرون بالقسط و یأتمرون به و ینهون عن المنکر و یتناهون عنه: [۳۵] اهل ذکر کسانی هستند که ... امر به قسط می‌کنند و خود نیز بدان عاملند، از منکر نهی می‌کنند و خود نیز از آن دوری می‌جویند». می‌بینیم که ائمتار و تناهی از صفات «اهل ذکر» به حساب می‌آید و آنان را که این‌گونه نباشند، باید اهل غفلت و ناآگاهی دانست که روایت‌های قبل به خوبی نمایانگر این امر می‌باشد.

«**10**لا تکن ممن ... ینهی و لا ینتهی و یأمر بما لا یأتی: [۳۶] از جمله کسانی نباش که نهی می‌کنند. ولی خود از آن دست بر نمی‌دارند و امر می‌کنند اما خود عمل نمی‌کنند». این روایت و روایت بعدی همانند پاره‌ای از روایت‌های گذشته انسان را نهی می‌کند از اینکه امر به معروف و ناهی از منکر باشد، ولی در عین حال خودش به معروف عمل نکند و از کار زشت و منکر دست بر ندارد:

«**11**لا تکن ممن ... یحب الصالحین و لا یعمل عملهم و یبغض المذنبین و هو احدثهم: [۳۷] از جمله کسانی نباش که صالحان را دوست دارند، ولی همانند آنان عمل نمی‌کنند و از گناهکاران خشمگین‌اند ولی خود یکی از آنان می‌باشند.»

«**12**من نصب نفسه للناس اماماً فعلیه أن یبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره ولیکن تأدیبه بسیرته قبل تأدیبه بلسانه. و معلم نفسه احق بالاجلال من معلم الناس و مؤدبهم: [۳۸] کسی که خود را امام و مقتدای دیگران می‌داند، باید قبل از اینکه به تعلیم دیگران بپردازد، خود را تعلیم بدهد و تربیت کردنش به وسیله سیرتش باشد نه با زبان؛ کسی که معلم خودش باشد، سزاوارتر است که گرامی داشته شود تا کسی که معلم و مربی دیگران است». در این بیان حضرت علی(ع) تعلیم نفس را مقدم بر تعلیم دیگران می‌داند و بر همین اساس می‌فرماید: باید تأدیب و اصلاح دیگران به وسیله‌ی سیره‌ی عملی باشد نه به وسیله زبان.

«**13**و انهوا عن المنکر و تناهوا عنه فانما امرتم بالنهی بعد التناهی: [۳۹] نهی از منکر کنید و خود نیز از آن پرهیزید. همانا نهی از منکر بر شما واجب شده است بعد از تناهی(ترک منکر)». امام(ع) تناهی و ترک منکر را مقدم بر نهی از منکر می‌داند. لذا انسان باید اول خودش را اصلاح نماید، سپس همت به اصلاح دیگران بگمارد؛ چراکه در غیر این صورت اقدامش تأثیر مطلوب را نداشته و نمی‌تواند دیگران را اصلاح نماید.

«**14**من لا یصلح نفسه لا یصلح غیره: [۴۰] کسی که خودش را اصلاح نکند دیگران را نیز اصلاح نخواهد کرد». در پایان بیانی را از آن حضرت می‌آوریم که نسبت به سخنان قبل، از شدت بیشتری برخوردار می‌باشد و در آن، آمرین به معروف را که تارک آن هستند و همچنین ناهیان از منکر را که عامل به منکرند، مورد نفرین قرار می‌دهد و درخواست لعن خداوند را برای آنان می‌نماید.

«**15**و لعن الله الامرین بالمعروف التارکین له و الناهین عن المنکر العاملین به: [۴۱] خداوند لعنت کند کسانی را که امر به معروف می‌کنند، ولی تارک آنند و نهی از منکر می‌نمایند، ولی عامل به آن هستند». این فریاد امیرالمؤمنین به دنبال سخنان دردمندانه دیگری است که آن را در گفتار دیگر تحت عنوان «آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر» بیان خواهیم داشت؛ آنجا که می‌فرماید: «فساد در

همه جا آشکار شده است ولی نهی کننده‌ای نیست که اوضاع را تغییر بدهد و بازدارنده‌ای که خود را نیز باز دارد، پیدا نمی‌شود. آیا این‌گونه می‌خواهید که مجاور و همنشین خداوند شوید در منزلگاه قربش؟ و این‌گونه می‌خواهید که اولیای الهی شوید در نزد او؟ هرگز! خداوند را نمی‌توانید در مورد بهشتش گول بزنید و رضای خداوند جز با طاعت به دست نمی‌آید.» [۴۲]

ب - اهل مدارا، سازش و طمع نبودن  
حضرت امیر علیه‌السلام، در کلامی زیبا می‌فرماید:

**1) لا یقیم امرالله سبحانه الامن لا یصانع و لا یضارع و لا یتبع المطامع:** [۴۳] کسی نمی‌تواند امر خدای سبحان را اقامه کند مگر آنکه مدارا نکند، سازشکار نباشد و پیرو آرزوها نگردد. در خصوص اقامه‌ی حدود و امر خدا و ارتباط آن با امر به معروف و نهی از منکر در مطالب گذشته اشاراتی شده و در ادامه نیز در گفتاری مستقل مطالب دیگری آورده خواهد شد. به هر حال کسی که بخواهد در راه خدا قدم بردارد و امر خداوند را اجرا نماید، مسلماً باید ثابت قدم و استوار باشد و طمع و آز و نیز مدارا و سازشکاری را از خود دور کند.

ج - بی‌توجهی به ملامت‌گران

امیر مؤمنان در کلامی حکمت‌آمیز، آنجا که پس از جنگ صفین برای فرزند گرامی‌اش امام حسن علیه‌السلام، وصیت می‌نویسند، پس از دستور دادن به این که امر به معروف کن تا از اهل آن باشی (و امر بالمعروف تکن من اهل) [۴۴] و با دست و زبان نهی از منکر کن (وانکر و منکر بیدک و لسانک) [۴۵] و به‌طور کامل از کسی که مرتکب منکر است، دوری نما (و با ین من فعله بجهدک): [۴۶] می‌فرماید:

« **1) و جاهد فی الله حق جهاده و لا تأخذک فی الله لومه لائم:** [۴۷] در راه خدا جهاد کن، آن‌گونه که شایسته است و در راه خدا مبادا سرزنش سرزنش‌کنندگان تو را باز دارد. از آنجا که یکی از موانع اجرای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ممکن است سخنان ملامت‌گران و باوه‌گویان باشد، حضرت تذکر می‌دهد که مبادا به صحبت اینان توجه نمایی. بی‌شک امر به معروف و نهی از منکر که از یک نوع جهاد است، اعتراض عده‌ای را به دنبال خواهد داشت، اما آمر و ناهی نباید به این موضوع توجه نمایند.

گفتار چهارم - مراتب امر به معروف و نهی از منکر  
از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر سه مرتبه دارد:

**1) مرتبه قلبی؛**

**2) مرتبه لسانی (زبانی)؛**

**3) مرتبه یدی (دستی و عملی).**

این تقسیم‌بندی در کتاب‌های فقهی علمای اسلام نیز رایج گشته و تمامی فقها به هنگام بحث از این فریضه، آن را به سه مرتبه به شرح فوق تقسیم می‌نمایند. هر یک از مراتب مذکور خود دارای مراحل است که آمر و ناهی با رعایت ایسر فلاعسر (از ساده به سخت) باید امر و نهی نمایند. در اینجا ابتدا روایت‌هایی از آن حضرت را در این خصوص می‌آوریم، آنگاه در خصوص پایین‌ترین مرتبه یعنی مرتبه قلبی که حداقل مراتب است، بحث مستقلی خواهیم داشت.

الف - مراتب سه‌گانه‌ی امر به معروف و نهی از منکر:

« **1) و آنکر المنکر بیدک و لسانک و با ین من فعله بجهد:** [۴۸] با دست و زبانت نهی از منکر کن و با تمام وجود از کسی که مرتکب آن می‌شود، دوری نما. مراتب سه‌گانه‌ی امر و نهی در این روایت از مشکل به آسان (دست، زبان، قلب) بیان گردیده است. دوری جستن از فرد گناهکار یکی از مراحل مرتبه‌ی قلبی است که در این روایت به عنوان حداقل اقدامی که انسان باید در مقابل مرتکب منکر انجام دهد، ذکر گردیده است.

« **2) ایها المؤمنون انه من رأى عدواناً یعمل به و منکرأ یدعی الیه فانکره فقد سلم و برئ، و من انکره بلسانه فقد أجر و هو افضل من صاحبه، و من انکره بالسيف لتکون کلمه‌الله هی العیا و کلمه الظالمین هی السفلی فذلک الذی اصاب سبیل الهدی و قام علی الطریق و نور فی قلبه الیقین:** [۴۹] ای مؤمنان، هرگاه کسی دید که به دشمنی و نافرمانی حق عمل می‌شود و منکری رواج می‌یابد و آن را قلباً انکار نماید و از آن بیزاری جوید، راه به سلامت برده و از گناه تبرئه می‌شود. هرکس آن را با زبان نیز انکار کرده و با آن به مخالفت برخیزد، اجر و پاداش نیز دریافت داشته و چنین کسی از قبلی بهتر است. هرکس آن را به وسیله شمشیر انکار و با آن مبارزه نماید و کاری کند که جبهه‌ی حق و کلمه‌الله متعالی شود و جبهه‌ی ناحق و جانب ظالمان پست و خوار گردد، او راه هدایت را پیدا کرده بر راه مستقیم و

راست قرار گرفته و یقین را در قلبش شکوفا ساخته است.» حضرت در اینجا ضمن این که نهی از منکر را در سه مرتبه‌ی عملی می‌داند، ارزش و اهمیت هر یک را نیز یادآور می‌شود که مرتبه‌ی لسانی را از مرتبه‌ی قلبی و مرتبه‌ی یدی را از مرتبه‌ی زبانی بالاتر اعلام می‌کند. عمل در حد مرتبه‌ی قلبی باعث می‌شود که انسان خود را سالم نگه داشته و مرتکب گناه نگردد. در مرحله‌ی زبانی، آمر و ناهی، اجر و پاداش نیز می‌گیرد و در مرحله‌ی پایانی بالاترین پاداش را که عبارت از هدایت به راه راست و حرکت در آن طریق است، نصیب خود می‌گرداند.

«**3** فمَنهم المنکر بیده و لسانه و قلبه فذلک المستکمل لخصال الخیر، و منهم المنکر بلسانه و قلبه و التارک بیده فذلک متمسک بخصلتین من خصال الخیر و مضیع خصله، و منهم المنکر بقلبه و التارک بیده و لسانه فذلک الذی ضیع اشرف الخصلتین من الثلاث و متمسک بواحدھف و منهم تارک لانکار المنکر بلسانه و قلبه و یده فذلک میت الاحیاء: [۵۰] گاهی فرد با دست و زبان و قلب نهی از منکر می‌کند، چنین کسی همه‌ی خصلت‌های خیر را تکمیل می‌نماید. گاه تنها با زبان و قلب نهی از منکر کرده و مرتبه‌ی دستی را ترک می‌نماید، چنین فردی دو خصلت خیر را به چنگ آورده ولی یکی را ضایع نموده و از دست داده است. گاهی نیز فقط در قلب نهی از منکر نموده و مرتبه‌ی دستی و زبانی را رها می‌کند و در این حالت دو خصلت شریف و برتر را از دست داده و تنها به یکی از خصلت‌های سه‌گانه اکتفا نموده است. گاهی نیز نهی از منکر را در زبان، قلب و عمل رها و ترک می‌کند، در این حالت فرد مزبور مرده‌ی متحرک است.» «مرده‌ی متحرک» بهترین تعبیر برای کسی است که حتی در قلبش نسبت به معروف‌هایی که به آن‌ها عمل نمی‌شود و منکراتی که رواج پیدا می‌کند، عکس‌العمل نشان نمی‌دهد. این چنین کسی به راستی که مرده‌ای است در بین زندگان؛ چراکه قلب او که مایه‌ی حیات و مرکز تحرک اوست، از خاصیت افتاده و در واقع مرده است.»

«**4** اول ما تغلبون علیه من الجهاد، الجهاد با یدیکم ثم بالسنتکم ثم بقلوبکم، فمن لم یعرف بقلبه معروفاً و لم ینکره منکراً، قلب و جعل اعلاه اسلفه و اسفله اعلاء: [۵۱] اولین مرتبه‌ای از جهاد که در آن شکست می‌خورید، جهاد با دست است، سپس جهاد با زبان و آنگاه جهاد با قلبهائتان می‌باشد. هر کس در قلبش معروفی را جای ندهد و منکری را از آن نراند، سرنگون می‌شود.» در کلام قبلی حضرت، تارکان فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را در مرتبه‌ی قلبی، مرده‌ای در بین زندگان، و در اینجا سرنگون شده‌ای که سرش به پایین و پاهایش به طرف بالاست، معرفی نموده است. این عبارت‌ها، تحقیر‌آمیزترین تعبیراتی هستند که زبان امام معصوم نسبت به این دسته از افراد بیان شده است.»

روایت‌های مذکور همگی در مقام بیان مرتبه‌های سه‌گانه‌ی امر به معروف و نهی از منکر و ارزش و اعتبار هر یک از آنها هستند که انسان مؤمن باید در هر سه مرتبه، عامل به این فریضه باشد تا رضایت خداوند متعال را بطور کامل کسب نماید. در دسته‌ای دیگر از روایت‌ها و احادیث از قول امام اول شیعیان، مرتبه‌ی قلبی به عنوان حداقل وظیفه‌ی یک مکلف مورد توجه خاص قرار گرفته و آن حضرت از شیعیان می‌خواهد اگر برای عمل به مراتب زبانی و دستی عذر و یا بهانه‌ای دارند، لاقلاً در مرتبه‌ی قلبی به درستی عمل نمایند. همچنین مرتبه‌ی قلبی خود دارای مراحل است که انتظار هست حداقل انسان، پایین‌ترین مرحله از این مرتبه را کسب نماید.

ب – مرتبه‌ی قلبی امر به معروف و نهی از منکر

**1** اذا رأى احدکم المنکر و لم یستطع ان ینکره بیده و لسانه و انکره بقلبه و علم الله صدق ذلک منه، فقد انکره: [۵۲] هرگاه یکی از شما، منکری را ببیند و نتواند با دست و زبان جلوی آن را بگیرد، ولی قلباً آن را انکار نماید و خداوند صداقت او را تأیید کند، به وظیفه‌ی نهی از منکر خود عمل کرده است.» امام در این بیان خود به دو شرط، نهی از منکر قلبی را برای ادامه فریضه کافی می‌داند:

اول – انسان نتواند با دست و زبان نهی از منکر کند؛

دوم – خداوند انکار قلبی او را قبول نموده و انسان در این خصوص صادق باشد.

اینک روایت‌های دیگری از آن حضرت را می‌آوریم که در آنها درجات و مراحل این مرتبه را نیز به نوعی بیان فرموده است.

**2** الراضی بفعل کالداخل فیه معہم: [۵۳] کسی که نسبت به کار عده‌ای راضی باشد، مانند این است که او نیز با آنان در انجام آن کار شریک است.» رضایت یا عدم رضایت و حب و بغض، کمترین حالتی است که باید انسان وارسته و متقی در قلبش نسبت به معروف و منکر داشته باشد.

**3** یها الناس، یجمع الناس الرضا و السخط. و انما عقربا قه ثمود رجل واحد فعمهم الله بالعذاب لما عموه بالرضا: [۵۴] ای کردم، رضا و سخط است که مردم را جمع کرده و هماهنگ می‌نماید. فاقه ثمود را فقط یک نفر از قوم ثمود پی کرد، ولی خداوند همه آنها را عذاب



کرد، چرا که دیگران نیز به عمل آن فرد راضی بودند.»

**4) ادنی الانکاران ان تلقی اهل المعاصی بوجه مکفهرة: [۵۵]** حداقل مرتبه‌ی نهی از منکر این است که گناهکاران را با ترش‌رویی ملاقات کنی. پس از حصول نارضایتی از انجام کار ناپسند، حداقل کاری که باید فرد مقید انجام دهد این است که با چهره طبیعی با فرد گناهکار مواجه نشود، بلکه اخم نموده و عدم رضایت خودش را از آن کار ناپسند به نوعی بنمایاند. از این روایت و روایت‌های قبل استفاده می‌نماییم که دوست داشتن معروف و دوست داشتن منکر در قلب، گرچه به نوبه خود پسندیده است، اما کافی نیست و فرد باید پس از این حب و بغض، عکس‌العمل ظاهری نیز از خود نشان دهد. قبلاً به هنگام بحث از شرایط و خصوصیات آمر و ناهی روایت (شماره ۱۱ قسمت الف گفتار سوم) از قول حضرت آوردیم که فرمود: «کسی نباش که صالحان را دوست دارد، ولی عمل آنان را انجام نمی‌دهد و گناهکاران را دوست ندارد، ولی خودش از آنهاست.»

بنابراین پس از دوست داشتن عمل صالح و صالحان، باید سعی کرد که همانند آنها شد تا دیگران نیز به این کار تشویق شوند. همچنین پس از حصول بغض و ناخشنودی در دل نسبت به گناه و گناهکاران، باید ناخشنودی خود را از عمل آنان به نحوی (ولو با ترش‌رویی)، آشکار نمود و متعاقب آن، باید خود نیز از قسمت «د» گفتار اول نیز که در بحث اهمیت امر به معروف و نهی از منکر آن را از قول امیرالمؤمنین علیه‌السلام، آوردیم، ناظر به همین معناست؛ آنجا که فرمود: «هرگاه خیر را دیدید و به سوی آن شتاب نمودید و آنگاه که شر را دیدید و از آن دوری جستید ... رستگار و پیروزید». اصولاً عامل بودن آمر و ناهی به اعتقادات و افکار خود، که توقع آن را از دیگران دارد، جزء شرایط حائز اهمیت است و در این میان، سیره عملی انسان در امور خیر، خود بهترین آمر به معروف می‌باشد. این موضوع در ضمن حدیث شماره ۱۲ قسمت الف گفتار سوم نیز از قول مولای متقیان ذکر گردید که فرمود: «کسی که خود را مقتدای دیگران می‌داند باید اول خودش را آموزش دهد و کاری کند که تأثیرش بر دیگران به واسطه سیره‌اش باشد نه زبان». از مجموع مطالب گذشته چنین نتیجه گرفته می‌شود که در کلام علی علیه‌السلام، امر به معروف در مرتبه قلبی، دارای سه مرحله است:

اول – دوست داشتن عمل صالح و صالحان؛

دوم – رفتن به طرف عمل صالح و صالحان؛

سوم – انجام عمل نیک، طوری که مایه تأسی دیگران گردد.

همچنین نهی از منکر در مرتبه قلبی دارای سه مرحله است:

اول – بعض و سخط نسبت به گناه و گناهکاران؛

دوم – برخورد ترش‌روانه با گناهکاران؛

سوم – دوری جستن و اجتناب از عمل زشت. (تا مایه عبرت دیگران باشد)

گفتار پنجم – ترک امر به معروف و نهی از منکر

از آنجا که این دو فریضه بر مسلمانان واجبند، طبیعتاً ترک آنها نیز حرام است. در روایت‌ها و احادیثی که از نظر گذشت، مذموم بودن ترک این فریضه به خوبی مستفاد می‌گردد؛ بویژه روایت‌های مربوط به گفتار و جواب امر به معروف و نهی از منکر و دیگر مباحث گذشته و آتی که به دنبال خواهد آمد. در اینجا دسته دیگری از کلمات و سخنان وارد شده از حضرت امیر علیه‌السلام، را ارائه می‌نماییم که بیشتر اختصاص دارند به ترک امر به معروف و نهی از منکر، آثار مترتب بر این ترک و همچنین علل و عواملی که انسان‌ها را وادار به ترک این فریضه می‌نماید. لذا این بحث را در دو قسمت بیان می‌کنیم.

الف – آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر:

« **1) إذا لم یأمروا بالمعروف و لم ینهوا عن المنکر، لم یتبعوا الاخیار من اهل بیتی: [۵۶]** هر که مردم به معروف و نهی از منکر نکنند، در آن هنگام است که از نیکان و برگزیدگان اهل بیت من پیروی نمی‌شود». بزرگ‌ترین خطر و ضرری که در اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر متوجه جامعه اسلامی می‌شود، این است که مسلمانان از نیکان اهل بیت تبعیت و پیروی نمی‌کنند و در عوض تابع نااهلان و فاسدان خواهند گردید. بنابراین، یکی از آثار سوء ترک این فریضه، گمراهی و ضلالت است که گرفتار جامعه می‌شود؛ چرا که دنباله‌رو هادیان و راهنمایان معصوم و امین نگردیده و زمام امور خود را به دست افراد ناباب خواهند داد؛ همان‌گونه که در صدر اسلام و پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله و نیز پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، این اتفاق افتاد.

« 2) ان الله لم يلعن القرن الماضي بين ايديكم الا لتركهم الامر بالمعروف والنهي عن المنكر. فلعن الله السفهاء لركوب المعاصي والحكماء لترك التناهي: [57] خداوند افراد قرن گذشته و پيش از شما را لعن نکرد مگر به خاطر اينکه آنان امر به معروف و نهي از منکر را ترک کردند. لذا خداوند نادانها را به خاطر ارتكاب معاصي و حکما و دانشمندان را به دليل ترک تناهي و باز نداشتن گناهکاران مورد لعن قرار داده است.»

« 3) لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنكر فيولى عليكم شراركم ثم تدعون فلا يستجاب لكم: [58] امر به معروف و نهي از منکر را ترک نکنيد؛ زيرا بدان بر شما مستولي می شوند و آنگاه دعا می کنيد (برای نجات از آن وضع) ولی دعای شما مستجاب نمی شود.»

« 4) ايها الناس لولم تتخاذلو عن نصرالحق و لم تهنوا عن توهين الباطل، لم يطمع فيكم من ليس مثلکم و لم يقو من قوی عليكم: [59] ای مردم، اگر در ياری حق پستی به خرج نمی داديد و در تحقير و کوچک کردن باطل سستی نمی کرديد، هرگز کسی که از شما نسبت به شما طمع نمی ورزید و هيچ گاه فرد قوی بر شما مسلط نمی گشت.»

« 5) انما هلك من كان قلبكم حينما عملوا بالمعاصي و لم ينهاهم الربانيون و الاحبار عن ذلك ... فنزلت بهم العقوبات: [60] گذشتگان به اين دليل هلاک شدند که مرتکب گناه می شدند و رهبران و پيشوایان مذهبي، آنان را از منع نمی کردند ... لذا مجازاتهای خداوند شامل حالشان گردید.»

« 6) انهم لما تبادوا في المعاصي و لم ينهاهم الربايون و الاحبار عن ذلك، نزلت بهم العقوبات: [61] آنگاه که پيشينيان تمايل به گناه پيدا کردند و پيشوایان مذهبي و پرهيزگارانشان آنان را از گناه باز نداشتند، عقوبت ها بر آنان نازل گردید.»

« 7) ظهر الفساد فلا منکر مغير و لا زاجر مزدجرا فبهذا تريدون ان تجاوروا الله في دار قدسه و تكونوا اعز اوليائه؟ هيهات لا يخذع الله عن جنته و لا تنال مرضاته الا بطاعه: فساد آشکار شده است اما کسی نيست که آن را تغيير دهد و بازدارنده ای نيست که آن را باز دارد. آيا اينگونه می خواهيد در منزل گاه قدس الهی با خداوند مجاور و همنشين شويد و از عزيز ترين اوليای او به حساب آييد؟ هرگز! خداوند را در مورد بهشتش نمی توان گول زد و جز با اطاعت نمی توان رضای او را به دست آورد.»

با جمع بندی روايت ها و احاديثی که گذشت، در مجموع از دیدگاه امام علی عليه السلام، آثار زیر ناشی از ترک فريضه امر به معروف و نهي از منکر خواهد بود:

1) عدم پيروی از اهل بيت و دنبال نااهلان رفتن (گمراهی)؛

2) لعنت خداوند که شامل هر دو قشر سفیه و عالم جامعه خواهد شد؛

3) مستولي شدن بدان و انسان های شرور جامعه بر ديگران؛

4) عدم استجابت دعا؛

5) به طمع افتادن بيگانگان و اقويا در مورد مسلمانان؛

6) هلاکت مردم و سرازير شدن سيل بلاها بر آنان؛

7) عدم امکان مجاورت و همنشینی با خداوند؛

8) عدم امکان اينکه انسان جزء اوليای عزيز خداوند بشود؛

9) بی خاصيتی انسان (ميت الاحياء).

نکته اخير را قبلاً در بحث مراتب امر به معروف و نهي از منکر در حديث شماره «3» قسمت «الف» گفتار چهارم مورد بحث قرار داديم و ساير نکات هشت گانه مذکور نيز در چند روايت اخير نهفته است.

ب - علت ترک امر به معروف و نهی از منکر

این موضوع دارای دامنه وسیع و گسترده‌ای است و به همین دلیل بسیار جای تأمل دارد؛ چراکه انسان پس از این همه تأکیدات که در شرع اسلام نسبت به اهمیت و فضیلت امر به معروف و نهی از منکر و همچنین آثار و برکات اجرای آن و نیز آثار و عواقب سوء ترک آن شده است، همچنان بی‌توجهی کرده و از انجام آن سر باز می‌زند. در اینجا در حد اختصار و با استعانت و استمداد از کلمات پر مغز امیرالمؤمنان، مطالبی را در خصوص علت ترک این فریضه عرضه می‌داریم.

«**1** ان الامر بالمعروف و النهی المنکر لا یقربان من اجل و لا ینقصان من رزق: امر به معروف و نهی از منکر نه مرگی را نزدیک می‌کند و نه موجب کاستی رزق و روزی می‌گردد». این کلام امیرالمؤمنین گویا در جواب یک سؤال مطرح شده است و آن این‌که «آیا امر به معروف و نهی از منکر موجب ضرر جانی و یا مالی می‌گردد؟» که حضرت عقیده‌ای برخلاف آن را مطرح می‌نمایند. این معنا مجموعاً سه بار دیگر در قول آن حضرت (با اندکی تفاوت)، بیان گردیده است. [۶۴] بنابراین مهم‌ترین عامل بازدارنده مسلمانان از اجرای فریضه مقدس امر به معروف و نهی از منکر از نظر روانی براساس دیدگاه امام علی علیه‌السلام، عبارت از «بیم و خوف جانی و ترس از ضرر مالی» است.

گفتار ششم - امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود

در روایت‌های شماره ۲ و ۳ قسمت «الف» گفتار اول و شماره «۲» قسمت «د» گفتار اول و حدیث قسمت «ب» گفتار سوم ملاحظه شد که گاهی فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر با فریضه‌ی دیگری به نام «اقامه‌ی حدود» یا «حفظ حدود» و یا «اقامه‌ی امر خداوند» تکمیل گردیده است. روشن است که اقامه حدود خود نوعی نهی از منکر می‌باشند منتها این مرتبه‌ی از نهی از منکر، دارای ویژگی خاصی است و به همین علت در کتاب‌های فقهی باب خاصی به آن اختصاص یافته است. [۶۵] اقامه حدود خود دارای شرایط خاصی می‌باشد و وظیفه‌ی همگانی نیست؛ بلکه به عهده‌ی فقها، حاکمان شرع و رهبران جامعه است که به اقامه حدود الهی بپردازند.

در روایت دوم از قول حضرت علی، علیه‌السلام آوردیم که فرمود: «غایت دین، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود است». در روایت سوم فرمود: «قوام شریعت به امر به معروف، نهی از منکر و اقامه حدود است». در روایت دهم آمده است که آن حضرت فرمود: «هرکس سه خصلت در او باشد از شر دنیا و آخرت در امان است: امر به معروف، نهی از منکر و حفظ حدود الهی». حفظ حدود الهی که در اینجا بیان گردیده است، از «اقامه حدود» عام‌تر بوده و با امر به معروف و نهی از منکر بیشتر مطابقت دارد. در روایت شانزدهم، حضرت همگان را به مسابقه برای اقامه‌ی حدود الهی و امر به معروف فرا می‌خواند. و بالاخره در حدیث قسمت «ب» گفتار سوم، صفات اقامه‌کننده امر خداوند را این‌گونه برشمرد:

**1) مدارا نمی‌کند؛**

**2) سازش نمی‌کند؛**

**3) مطامع و حرص و آز تبعیت نمی‌کند.** اقامه امر خداوند نیز اصطلاحی عام و دربر گیرنده‌ی امر به معروف، نهی از منکر و اقامه حدود است.

گفتار هفتم - امر به معروف و نهی از منکر و جهاد

از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، امر به معروف و نهی از منکر هر یک شعبه‌ای هستند از شعب جهاد.

«**1** ایایمان علی اربع دعائم: علی الصبر و الیقین و العدل و الجهاد ... و الجهاد منه علی اربع شعب: علی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و الصدق فی المواطن و شتآن الفاسقین: [۶۶] ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد. (آنگاه حضرت به ترتیب برای هر پایه، چهار شعبه را برمی‌شمارد تا به جهاد می‌رسد. جهاد چهار شعبه است: امر به معروف، نهی از منکر، صدق و راستی در هر حال و دشمنی با فاسقان». در روایت شماره پنج که شرح آن گذشت نیز دیدیم که حضرت، ارزش امر به معروف و نهی از منکر را از همه اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا بالاتر می‌داند. در روایت شماره ۳۷ قسمت «ج» گفتار سوم نیز ملاحظه شد که حضرت پس از آنکه خطاب به امام حسن علیه‌السلام، در وصیتنامه‌اش فرمود: «و أمر بالمعروف تکن من اهله» و پس از آن فرمود: «و انکر المنکر بیدک و لسانک و باین من فعله بجهدک»، در ادامه‌ی موضوع، جهاد را به میان کشیده و می‌فرماید: «و جاهد فی الله حق جهاده و لا تأخذک فی الله لومه لائم» لذا ارتباط تنگاتنگ امر به معروف و نهی از منکر با جهاد و ارزش والای هر یک از این فرایض به خوبی در گفتار آن امام مشهود است.»

گفتار هشتم - امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت

نصیحت شیوه‌ای است که در امر به معروف و نهی از منکر لسانی باید مورد توجه آمر و ناهی باشد و از این ابزار به خوبی در راه هدف مقدسش استفاده نماید. همچنین از آنجا که همه انسان‌ها جایز‌الخطا هستند، طبعاً همگی نیازمند نوعی نصیحت از جانب هم‌زمان خود می‌باشند. در میان آثار و روایت‌های رسیده از امام علی علیه‌السلام، تعابیر و مطالب بسیار مغتنم و نغزی در خصوص ارزش نصیحت و همچنین نصیحت‌پذیری وجود دارد که در اینجا چشمه‌ای از آن را ذکر می‌کنیم:

«**1** لا خیر فی لیسوا بناصحین الناصحین: [۶۷] قومی که ناصح نباشند و نصیحت‌کنندگان را دوست نداشته باشند، هیچ خیری در بین آنها نیست.»

«**2** النصح ثمره المحبه: [۶۸] نصیحت میوه محبت است.»

«**3** من قبل النصیحه أمن الفصیحه: [۶۹] کسی که پذیرای نصیحت باشد، از رسوایی در امان است.»

«**4** من اکثر التوفیق الاخذ بالنصیحه: [۷۰] بیشترین توفیق در قبول نصیحت است.»

«**5** من سائر عیبک فهو عدوک: کسی که عیب ترا پنهان دارد، دشمن توست.»

احادیث مذکور در کوتاه‌ترین و موجزترین کلمات به بهترین نحو، ارزش فضیلت نصیحت، نصیحت‌کنندگان، نصیحت‌پذیران، دوست‌داران ناصحان و همچنین عدم پنهان نمودن عیب‌های دیگران را بیان می‌کند.

گفتار نهم - امر به معروف و نهی از منکر عامه نسبت به خاصه و حکام همان‌طور که در ضمن حدیث شماره ۵ قسمت «الف» گفتار اول آورده شد؛ آن حضرت تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خداوند را در مقابل امر به معروف و نهی از منکر همانند قطره‌ی آبی در برابر دریایی پهناور دانستند. در ادامه‌ی این کلام نورانی مطلب عجیبی را بیان می‌دارند و اضافه می‌نمایند که از امر به معروف و نهی از منکر بالاتر هم داریم و آن، گفتن سخن حق نزد حاکم ظالم است.

«...**1** و افضل من ذلک کله کلمه عدل عند امام جائر: [۷۱] بالاتر از همه این‌ها اعمال نیک، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، سخن عادلانه‌ای است که در مقابل پیشوای ظالم گفته شود». آن حضرت در جای دیگر به مردم می‌گویند: «من دو حق بر گردن شما دارم: اول وفای به بیعت و دوم نصیحت کردن من به صورت آشکار و پنهان است»

«**2** و اما حقی علیکم فالوفاء بالیعه و النصیحه فی المشهد و المغیب: [۷۲] حق من بر شما وفای به بیعت و نصیحت آشکار و پنهان است». بنابراین از منظر امام، عامه‌ی مردم و آحاد جامعه نه تنها وظیفه دارند که مقابل پیشوای ظالم بایستند و او را از معصیت باز دارند، بلکه در مقابل پیشوای عادل و معصومی همچون خودش هم حق دارند او را نصیحت کنند و بالاتر از آن، اینکه این نصیحت یک تکلیف است و حق امام بر مردم است که باید مردم آن را ادا نمایند! در جایی دیگر به مردم تذکر می‌دهد که اگر به این وظیفه و حق و حق خود یعنی امر به معروف و نهی از منکر نسبت به حاکم عمل نکنند، مستوجب عقوبت و مجازات الهی خواهند بود.

«**3** ان الله لا یعذب العامه بذنب الخاصه اذا عملت الخاصه بالمنکر سرأ من غیر أن لا تعلم العامه. فاذا عملت الخاصه بالمنکر چهاراً فلم تغیر ذلک العامه استوجب الفریقان العقوبه من الله عزوجل: [۷۳] هرگاه خاصه بطور پنهانی و به گونه‌ای که عامه نفهمند مرتکب منکر شوند، خداوند عامه را عذاب نمی‌دهد. ولی اگر خاصه بطور علنی و آشکار مرتکب منکر گردند و عامه برای تغییر و اصلاح آنان اقدام نکنند، هر دو گروه (عامه و خاصه) سزاوار عقوبت و مجازات خداوند عزوجل می‌باشند.»

بنابراین عوام مردم نسبت به گناهان خواص چنانچه پنهانی و غیرعلنی صورت بگیرد، به گونه‌ای که همگان از آن آگاه نگردند. مسئولیت و تکلیفی نداشته و خدای متعال نیز آنان را از این نظر مستوجب عقاب نمی‌داند. اما آن زمان که خواص جامعه بطور علنی و آشکارا مرتکب اعمال ناشایست گردند، وظیفه‌ی عموم مردم است که نهی از منکر نمایند و مانع از ارتکاب معاصی و منکرات گردند. اگر در این حال عامه وظیفه‌ی خود را انجام نداده و به بهانه‌ای زمینه را برای معصیت خاصه از بین نبرده و آنان را نهی از منکر نکنند، هر دو گروه (عامه و خاصه) استحقاق عقاب و عذاب الهی را پیدا نموده و خداوند و خداوند عزوجل آنان را مجازات خواهد کرد.

گفتار دهم - خلاصه و نتیجه بحث

دیدیم که امام اول شیعیان و مولای متقیان، امر به معروف و نهی از منکر را «افضل اعمال لِق»، «غایت دین»، «قوام شریعت»، «صفت خداوند» و «بالاتر از همه‌ی اعمال نیک و جهاد در راه خداوند» معرفی می‌نماید که همگی دلالت بر فضیلت این فریضه دارد. همچنین

ملاحظه کردیم که در خصوص آثار و برکات این دو فریضه فرمود که آمر به معروف در زمره «اهل معروف» قرار می‌گیرد و به مؤمنان پشت‌گرمی می‌دهد. ناهی از منکر نیز بینی کفار و منافقان و فاسقان را به خاک مالیده از مکر و نیرنگ آنان در امان می‌ماند. سلامت دنیا و آخرت، ثواب مضاعف و اجر فراوان از دیگر فواید اجرای امر به معروف و منکر است. علاوه بر آن، حضرت امر به معروف و ناهی از منکر را معیار سنجش اعمال و نیز شایسته و سزاوار مسابقه و رقابت می‌دانند. همه‌ی این مطالب را برای بیان اهمیت امر به معروف و ناهی از منکر و اثبات جایگاه ویژه و خاص آن در بین سایر فرایض ذکر نمودیم.

آنگاه مسأله وجوب امر به معروف و ناهی از منکر (صرف نظر از اهمیت فراوانی که برای آن ذکر کردیم) مورد بحث قرار گرفت و با بیان چهار روایت از آن امام بزرگوار، وجوب این دو فریضه مورد تأکید قرار گرفت. عامل بودن آمر و ناهی، سازش‌ناپذیری و بی‌توجه بودن به ملامت دیگران در راه اجرای فریضه‌ی امر به معروف و ناهی از منکر، از خصوصیات بارزی هستند که از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، لازم است آمر و ناهی آنها را مراعات کند. مراتب سه‌گانه‌ی امر و ناهی (قلبی، لسانی، یدی) و ارزش و اعتبار یکی از آنها به خوبی در کلام علی علیه‌السلام، مورد توجه و عنایت قرار گرفته و در این میان، مرتبه‌ی اول، که اساس و مبنای دیگر مراتب است، بیشتر مورد اهتمام آن حضرت قرار گرفته است و از دیدگاه امام، کسی که امر به معروف و ناهی از منکر را در مرتبه قلبی ترک نماید، مرده‌ای در بین زندگان است.

در بحثی دیگر، خطرات ترک امر به معروف و ناهی از منکر و علت و عامل اصلی ترک این فریضه را از دیدگاه امام بیان نمودیم. از جمله آثار و خطرات ترک امر به معروف و ناهی از منکر عبارت است از: گمراهی، لعن خداوند، حاکمیت اشرار، عدم استجابت دعا، نفوذ بیگانگان و اقویا در امور مسلمانان، نازل شدن بلاها و هلاکت مردم، عدم امکان مجاورت و هم‌نشینی با خداوند برای بندگان و اولیای الهی. در گفتارهای دیگر رابطه‌ی امر به معروف و ناهی از منکر نسبت به «اقامه‌ی حدود»، «جهاد» و «نصیحت» بیان شد. در پایان نیز کلمات گهربار دیگری را از آن حضرت در خصوص این موضوع که عوام مردم وظیفه دارند حکام و خواص را ناهی از منکر نموده و در برابر خطاها و منکرات آنها ساکت ننشینند، آوردیم.